

سازمانهای غیردولتی پناهجویان: تجربه فلسطینیان در لبنان *

نویسنده: جابر سلیمان

برگردان: امیر محمد حاجی یوسفی **

این مقاله در مورد تجربه سازمانهای غیردولتی پناهجویان فلسطینی در لبنان، بعد از موافقتنامه‌های اسلو است و چارچوب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی که این سازمانها طبق آن فعالیت دارند را مشخص می‌کند. همچنین این تحلیل، به زمینه تاریخی سازمانهای غیردولتی و حیطة کاری آنها می‌پردازد. مقاله حاضر مشکلات و موانعی را که این سازمانها با آن روبرویند، بررسی می‌کند و با پیشنهادهایی در مورد این که چگونه سازمانهای غیردولتی پناهجویان در لبنان می‌توانند خود را با محیط در حال توسعه و تغییر از زمان آغاز روند سازش هماهنگ کنند، پایان می‌یابد:

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

تحلیل نقش سازمانهای غیردولتی *** در جامعه فلسطینی ساکن در لبنان با دو چالش

* این مقاله در کنفرانسی با نام «پناهجویان فلسطینی و آنروا در اردن، کرانه باختری و نوار غزه» (۱۹۴۹-۱۹۹۹) در اردن توسط جابر سلیمان ارائه شده است.

** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

*** Non Governmental Organization's (NGO)



اساسی روبروست. نخست نقصان مطالعات مستدل و قابل اعتماد سازمانهای غیردولتی در محل و سپس مشکل اصطلاح‌شناسی و مفاهمه است. از همه مهمتر این که اصطلاح سازمان غیردولتی، وجود مؤسسات دولتی را که سازمانهای غیردولتی ممکن است با آنها به طور شراکتی کار کنند مفروض می‌انگارد. مشکل از آن جا آغاز می‌شود که بطور کلی جامعه فلسطینی فاقد آن است. این عدم وجود همکاری و شراکت بر توسعه سازمانهای غیردولتی فلسطینی در لبنان نیز تأثیر گذاشته و تقسیم‌بندی متداول میان سازمانهای دولتی و غیردولتی را نامناسب ساخته است.

در این مقاله از اصطلاح محلی برای توصیف سازمانهای غیردولتی فلسطینیان استفاده شده است. این اصطلاح بیشتر نوعی «رابطه» با جامعه محلی را نشان می‌دهد تا سازمانی متفاوت با مؤسسات دولتی. بعلاوه، اصطلاح محلی همچنین به اصولی چون «همکاری اجتماعی» و «نیکوکاری» نیز برمی‌گردد که عمیقاً در میراث فرهنگی و مذهبی جوامع عرب ریشه دارد. زمانی که این مقاله از اصطلاح سازمانهای غیردولتی استفاده می‌کند، به طور خاص به انجمن‌ها، سازمانها و مؤسسات غیرانتفاعی، داوطلبانه و مردمی که در جامعه اردوگاههای فلسطینی بویژه داخل اردوگاههای پناهجویان فعال هستند و به شکل قانونی توسط دولت لبنان به ثبت رسیده‌اند، دلالت دارد. این تعریف قصد دارد از ایجاد هر نوع ابهامی که ممکن است به علت ازدیاد سازمانهای مردمی موجود در اردوگاههای پناهجویان ایجاد شود، جلوگیری کند. برخی از اینها گروههای مستقلی هستند که با ابتکارهای مردمی آغاز به کار کردند، برخی دیگر تا حدودی یا کاملاً به مؤسسات سازمان آزادیبخش فلسطین ساف وابسته‌اند. همچنین برخی احزاب و گروههای تازه تأسیس شده، اسلامگرا هستند. بیشتر این سازمانها فاقد ساختارها و شیوه‌های کاربردی و استقلال عمل قانونی هستند و از این رو نمی‌توان آنها را به عنوان سازمانهای غیردولتی طبقه‌بندی کرد.

همچنین این مقاله به «انجمن‌های روستایی» که بر مبنای سوابق آشنایی و خانوادگی و سکونت پناهنجویان به قبل از اشغال سرزمینشان بازمی‌گردد توجهی نمی‌کند. اصولاً چنین تشکلهایی را نمی‌توان سازمان غیردولتی نامید.

۲- زمینه اجتماعی، سیاسی و قانونی فعالیت سازمانهای غیردولتی

برای این که بتوان ماهیت و محیطی را که سازمانهای غیردولتی پناهنجویان، کار خود را درون آن انجام می‌دهند مشخص کرد، باید ابتدا شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی پناهندگان فلسطینی را در لبنان مورد بحث قرار داد.

هیچ ارقام قابل اعتماد و دقیقی از تعداد واقعی فلسطینیها در لبنان وجود ندارد. به علت ساختار فرقه‌ای آسیب‌پذیر و حساس این کشور، ارائه هر رقمی خاص، تأثیری بالقوه و عمیق در «موازنه جمعیتی» لبنان به وجود می‌آورد که البته واجد پیامدهای سیاسی خاص خواهد بود. آنروا * اظهار می‌دارد که تعداد پناهنجویانی که توسط این آژانس در ۳۱ مارس ۱۹۹۹ ثبت شده است ۳۶۸۵۲۷ نفر است که بیش از نیمی از آنها در اردوگاههای پناهنجویان زندگی می‌کنند. بر طبق تخمینهای این آژانس، این تعداد ثبت شده پناهندگان فلسطینی تنها بیش از ۱۰ درصد جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهد. بخش امور پناهندگان فلسطینی دولت لبنان تعداد فلسطینیهای مقیم این کشور را بدون توجه به این که آیا توسط آژانس سازمان ملل ثبت نام شده باشند یا نه، حدود ۳۹۹۰۰۰ نفر تخمین می‌زند.

مطابق حقوق بین‌الملل، فلسطینیها به عنوان پناهندگان، حق دارند از حقوق اجتماعی-اقتصادی خود از قبیل حق کار، حق استفاده از مزایای تأمین اجتماعی و حق تشکیل گروه و انجمن همانند شهروندان لبنانی، بهره‌مند شوند. اما عملاً قانون لبنان به فلسطینیها به عنوان خارجی و حتی «گروه خاصی» از خارجیها نگاه می‌کند. این موضوع

* United Nations Refugees Working Agency (UNRWA)

باعث شده است تا فلسطینیان به حاشیه جامعه لبنان رانده شوند.

فلسطینیها در لبنان تا حدودی در نتیجه این محدودیتها به طور نامتناسبی از اثرات رکود اقتصادی لبنان و پایین آمدن دستمزدهای واقعی رنج می‌برند. به علاوه فلسطینیها باید با از بین رفتن صنایع و خدمات فلسطینی در لبنان - که در طول دهه ۱۹۷۰ توسط ساف تأسیس شدند - دست و پنجه نرم کنند. بر اساس برخی تخمینها، این بخش ۶۵ درصد نیروی کار فلسطینیها را پیش از جنگ ۱۹۸۲ جذب کرده بود. جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و به دنبال آن اخراج فلسطینیها از کویت و دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس منجر به حذف پولهایی که توسط این فلسطینیها فرستاده می‌شد و پیش از این بسیاری از خانواده‌های فلسطینی را در لبنان حمایت می‌کرد، شد. در نتیجه این تحولات، شرایط پناهندگان فلسطینی در لبنان از هر جای دیگر در منطقه بدتر است. آنرا نرخ بیکاری را میان پناهندگان فلسطینی در لبنان ۴۰ درصد تخمین زده، در حالی که در مقایسه این نرخ در سوریه ۱۵ درصد و در اردن ۱۹ درصد (خانواده‌های پناهجویان که بکلی ناتوان از حمایت مالی خودشان می‌باشند) می‌باشد. این رقم، بالاترین نرخ بیکاری در تمام مناطق تحت فعالیت آنروا است.

کم شدن خدمات این آژانس و روند متصور فرآیند صلح، همراه با کاهش شدید درآمدهای مالی، افراد بسیاری را به این نتیجه‌گیری سوق داده است که حیات آنروا رو به زوال است. جالب توجه است که بین سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۸، جمعیت ثبت شده توسط این آژانس تا ۳۳ درصد افزایش یافت، در حالی که کمکهای مالی به این آژانس برای پرداخت تعهداتش تا ۱/۵ درصد کاهش یافته است. این امر نشانگر ۲۶ درصد تنزل در هزینه هر پناهنده ثبت شده در مدت ۷ سال می‌باشد، یعنی از ۹۶ دلار در ۱۹۹۱ به ۷۱ دلار در ۱۹۹۸ تنزل یافته است. تغییرات در سیاست مالی این آژانس از سال ۱۹۹۱، از جمله تقسیم بودجه‌ها به بودجه عادی، بودجه برای اقدامهای فوق‌العاده در لبنان و منطقه اشغالی (EMLOT) و برنامه گسترده (PIP)، عموماً این گونه تفسیر می‌شوند که از زمان آغاز

روند سازش در کنفرانس مادرید (۱۹۹۲)، خدمات و ابتکارات این آژانس به ضرر پناهندگان مستقر در لبنان، سوریه و اردن و تا حدودی به نفع پناهندگان تحت حاکمیت حکومت خودگردان در کرانه غربی و غزه متمرکز شده است.

۳- پیدایش و موقعیت قانونی

موافقت نامه قاهره که بوسیله دولت لبنان و ساف به امضاء رسید، هدف عمده اش را از میان بردن معضل حاشیه نشینی فلسطینیان در لبنان قرار داده بود. این موافقتنامه حقوقی را به فلسطینیان می بخشید که بر اساس آن به پناهندگان اجازه می داد تا سازمانهای مستقل اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی خودشان را تشکیل دهند. گسترش چنین سازمانهایی پیش از خروج ساف از لبنان در سال ۱۹۸۲ به اوج خود رسید. بدنبال خروج این سازمان و لغو موافقت نامه قاهره، این سازمانها یا مؤسسات فروپاشیدند به طوری که ارائه خدمات آنها کاهش شدیدی یافت (مانند انجمن صلیب سرخ فلسطین). در نتیجه، فلسطینیها خود را با مشکلات متعدد و بسیار سنگین زندگی بدون حمایت قدرت سیاسی و اجتماعی ساف مواجه دیدند.

تحت این شرایط، سازمانهای خاصی که پیش از سال ۱۹۸۲ تأسیس شده بودند، پس از این که خود را با شرایط جدید تطبیق دادند، شروع به بازیابی نقش خود کردند. به موازات این مسأله، تعدادی از سازمانهای دیگر بویژه پس از جنگ اردوگاهها در سال ۱۹۸۶-۱۹۸۸ تشکیل شدند تا به ایفای مسئولیتهای خدماتی-اجتماعی و کاهش از فجایعی که به سبب این جنگ به وجود آمده بود، بپردازند.

سازمانهای غیردولتی فعال در میان فلسطینیها و اجتماعاتشان در لبنان به سه دسته کلی تقسیم می شوند که هر یک شرایط ویژه ای دارند:

۱- سازمانهای غیردولتی که به واسطه گواهی و تأییدیه وزارت کشور مطابق با قانون عثمانی انجمنها مورخ اوت ۱۹۰۸ و قانون مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۶۲ مجوز کسب کرده اند.

۲- سازمانهای غیردولتی خارجی فعال در لبنان که مجوز خود را با حکمی از ریاست جمهوری و مطابق با قانون انجمنهای خارجی مشمول قانون ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ دریافت کرده‌اند.

۳- نوع سوم سازمانها و مؤسسات مذهبی هستند که تحت عنوان کلی «وقف» قرار می‌گیرند و نیازی به اخذ مجوز از وزارت کشور ندارند، اما ممکن است به واسطه حکم یک دادگاه اسلامی که زیر نظر دفتر نخست‌وزیری کار می‌کند، تأییدیه دریافت نمایند.

موقعیت قانونی سازمانهای نوع اول که اساساً موضوع مطالعه ماست، مبهم است. از نظر قانونی، آنها سازمانهای غیردولتی لبنانی محسوب می‌شوند، اما در واقع آنها سازمانهای غیردولتی فلسطینیان هستند. این بدین معناست که کمیته‌های اداری آنها که باید به دولت پاسخگو باشند شامل بیش از ۸۰ درصد شهروندان لبنانی هستند در حالی که کادر اجرایی اکثر آن‌ها از فعالان فلسطینی می‌باشند. با توجه به این که این سازمانهای غیردولتی از لحاظ قانونی از سازمانهای لبنانی غیرقابل تشخیص می‌باشند، آنها را به صورت غیررسمی می‌توان سازمانهای غیردولتی فلسطین نامید.

این موقعیت مبهم موجب می‌شد که سازمانهای مزبور نسبت به محدودیتهای قانونی موجود بویژه در مورد چگونگی و نحوه حضور و فعالیت سازمانهای غیردولتی فلسطینی به شدت آسیب‌پذیر باشند. برای مثال در ماه ژوئیه ۱۹۹۶، دولت لبنان مجوز یک سازمان غیردولتی به نام «انجمن اجتماعی توسعه حرفه‌ای» را به دلایل سیاسی باطل کرد. این نشان دهنده ضرورت حمایت قانونی، برای تداوم فعالیت سازمانهای غیردولتی است. بروز مسائلی از این قبیل موجب شده تا تلاش کمتری برای توسعه ساختار سازمانی و گسترش پوششهای حمایتی به اضافه افزایش سطح روابط سازمانهای غیردولتی با ساختار بومی انجام شود. مبارزه برای حفظ حیات، سبب شده تا سازمانهای غیردولتی از بررسی نقششان در جامعه مدنی در حال ظهور در لبنان غافل بمانند. برای پشتیبانی این نقش و تقویت موقعیت سازمانهای غیردولتی فعال در میان فلسطینیان، از تابستان ۱۹۹۳ این

سازمانها فعالیت جدی را به منظور هماهنگ کردن تلاشهایشان آغاز کردند. در تابستان ۱۹۹۴، این تلاش به بنیان گذاری «گردهمایی هماهنگی شاغلان سازمانهای غیردولتی فلسطینی» منجر شد که تنها سازمانهایی از نوع اول و دوم که مطابق با قوانین لبنان مجوز داده شده اند را در بر می گرفت.

۴- نقش و حیطه فعالیت سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیردولتی فلسطینی عموماً در زمینه های زیر فعالند: تحصیل، آموزش حرفه ای، بهداشت، معلولیت و معلولین، مراقبت اجتماعی، میراث فرهنگی و هویت ملی، امداد اضطراری در زمان جنگها به اضافه آموزش برای توسعه کارآیی مشاغل، حقوق کودک و حمایت از حقوق پناهنجویان فلسطینی.

با توجه به شرایط زندگی فلسطینیان در لبنان بویژه کاهش خدمات آنروا و مؤسسات باقی مانده ساف، سازمانهای غیردولتی فلسطین در حال حاضر در دو جهت بسیار وابسته به هم کار می کنند: اول، تأمین خدمات در زمینه هایی که توسط آنروا یا مؤسسات ساف یا هر دو پوشش داده نمی شوند مانند تحصیلات پیش دبستانی، میراث فرهنگی، معلولیت و معلولین با درصد معلولیت بالا و مراقبت اجتماعی از خویشاوندان کودکانی که فاقد حامی می باشند. دوم، کمک به ارائه خدمات آنروا و مؤسسات باقی مانده ساف در زمینه هایی مانند آموزش حرفه ای، بهداشت، تنظیم خانواده و مراقبت ویژه از خانواده های نیازمند.

حجم و کارایی اقدامات انجام شده توسط سازمانهای غیردولتی فلسطینی بسیار به واقعیت تعیین شده توسط موقعیت قانونی آنها، ساختار نیروی انسانی، منابع مالی در دسترس و سطح نیازمندیها و اولویتهای اجتماعات محلی بستگی دارد. شاید ذکر چند مثال مهم مفید باشد:

۱- سازمانهای غیردولتی فلسطین تحصیلات پیش دبستانی را که توسط آنروا ارائه نمی شود، برای حدود ۴۰ درصد از کودکان فلسطینی پیش دبستانی فراهم می کنند.

۲- شش سازمان غیردولتی «گردهمایی هماهنگی موقعیت آموزش حرفه‌ای» برای دانش‌آموزان دبستانی و راهنمایی که قادر به ادامه تحصیلات دبیرستانی یا دانشگاهی نبوده‌اند، شرایط تحصیل را فراهم می‌کنند. مرکز آموزش حرفه‌ای سیبلین* وابسته به آنرو تنها به ۲۵ تا ۳۰ درصد دانش‌آموزانی که درخواست شرکت در این مرکز را داشته‌اند، پذیرش می‌دهد.

در مرکز سیبلین، سالانه حدود ۳۰۰ دانشجو با حدود ۲۰ تخصص در زمینه‌های حرفه‌ای و فنی طی دوره‌های یک تا دو ساله آموزشی، فارغ‌التحصیل می‌شوند. دو سازمان از بین شش سازمان غیردولتی آموزشی، حدوداً همان تعداد را سالانه در نزدیک به ۳۰ حرفه که زمینه‌های مختلف صنعتی، مکانیکی، فنی و اداری را تحت پوشش قرار می‌دهند، آموزش می‌دهد. دوره کلاسهای سازمانهای غیردولتی بیش از یک سال است. اما به هر حال مقایسه‌ای که ما به عمل می‌آوریم یک مقایسه کیفی و نه کمی است.

۳- با در نظر گرفتن توانایی روبه زوال ساف برای حمایت خانواده‌های قربانیان، سازمان ملی مراقبت اجتماعی و آموزش حرفه‌ای به دنبال جبران بخشی از خسارتهاست. پروژه «رفاه خانواده» این سازمان، در حال حاضر بیش از ۱۵۰۰ کودک را تحت پوشش خود قرار داده است.

۵- منبع درآمد

سازمانهای غیردولتی فلسطین هیچ کمکی از دولت لبنان دریافت نمی‌کنند و حدود ۲۰ درصد یا کمتر سرمایه‌گذار بهای آنها از منابع محلی تأمین می‌شود. بنابراین سازمانهای مذکور به شدت به منابع خارجی وابسته‌اند. پروژه‌های آنها توسط تعداد زیادی سازمانهای غیردولتی در اروپا، کانادا، خاورمیانه و خاور دور حمایت می‌شوند.

* Siblin

این مسأله مهم است که میان کمک جمع‌آوری شده بومی و کمک خارجی تمایز قایل شویم. استدلال شده است که اولی می‌تواند اعتماد به نفس، توانمندی، توسعه پایدار و ثابت قدمی را تضمین کند، در حالی که دومی چندان کمکی به استقلال عمل و حس اعتماد به نفس پناهندگان و سازمانهای مرتبط با آنها نمی‌کند.

۶- روابط سازمانهای غیردولتی فلسطین با سازمانهای دیگر

از زمان شکل‌گیری مجمع هماهنگی، سازمانهای غیردولتی فلسطین به طور جدی روابط خود را با سازمانهای غیردولتی لبنانی و عربی، سازمانهای غیردولتی فلسطینی که در سرزمینهای تحت نظر تشکیلات خودگردان کار می‌کنند و همچنین شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت نموده‌اند.

در عرصه لبنان، مجمع هماهنگی با دو سازمان حمایتی که نماینده تعداد زیادی سازمان غیردولتی لبنانی است، ارتباط دارد که عبارتند از:

La Coordination Des ONG Vue Development Au Liban (CDL/ONG)

و مجمع سازمان غیردولتی لبنان (LNF)

همکاری بین سازمانهای غیردولتی فلسطینی و هم‌تایان لبنانی آنها در اموری چون آموزش پرسنل و نهادینه کردن امور مؤثر بوده است. چنین همکاری‌هایی در عرصه‌هایی چون مشکلات اجتماعی، تحصیلی، بهداشتی و زیست‌شناختی که هم متوجه جمعیت اردوگاهها و هم گروههای لبنانی که از مزایای کمتری برخوردارند و در نزدیکی اردوگاهها زندگی می‌کنند، چندان گسترش نیافته است.

در صحنه عربی، سازمانهای غیردولتی فلسطینی در دو نشست منطقه‌ای شرکت کردند. در ژانویه ۱۹۹۴ و ژوئیه ۱۹۹۴ - هر دو در لبنان - به منظور آماده‌سازی جهت کنفرانس سران کشورهای جهان، برای توسعه اجتماعی که در کپنهاک در مارس ۱۹۹۵ برگزار شد، تشکیل شد. آنها در تهیه «اعلامیه بیروت» یا اعلامیه کشورهای عربی حاضر

در کپنهاک، شرکت کردند. آنها همچنین در نشستهای آماده‌سازی به منظور آغاز یک شبکه از سازمانهای غیردولتی عرب کمک می‌کنند.

سازمان‌های غیردولتی فلسطینی در بسیاری از فعالیتهای منطقه‌ای و بین‌المللی شرکت کرده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از: کنفرانس سران کشورهای جهان برای توسعه اجتماعی (کپنهاک، مارس ۱۹۹۵)، چهارمین کنفرانس جهانی سازمان ملل درباره زن (پکن، سپتامبر ۱۹۹۵)، کنفرانس کانادا و خاورمیانه (اتاوا، اکتبر ۱۹۹۵)، فلسطین: همبستگی و توسعه (مارس، اکتبر ۱۹۹۵) و غیره.

این نشستهای عربی و بین‌المللی برای سازمانهای غیردولتی فلسطینی که در لبنان کار می‌کنند، راههای عمل متقابل و ارتباط با هم‌تایان فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه و بویژه با شبکه سازمان غیردولتی فلسطین را فراهم آورد. این سازمانها همراه با هم و با حمایت بین‌المللی قادر بوده‌اند تا یک کارگاه آموزشی را در قبرس (مارس ۱۹۹۶) برقرار کنند. این کارگاه تحت عنوان «آینده پناهندگان فلسطینی تحت شرایط سیاسی کنونی» نامگذاری شده است. سازمانهای غیردولتی فلسطینی از لبنان، فلسطین، سوریه و اردن در این کارگاه که به سمت آغاز برنامه‌ای برای دفاع از حقوق پناهندگان فلسطینی هدایت می‌شد، شرکت کردند.

۷- مشکلات و چالشها

مشکلات و چالشهایی که سازمانهای غیردولتی فلسطینی با آن مواجه‌اند، تا حدودی همانهایی هستند که سازمان‌های غیردولتی در بسیاری از کشورهای عرب با آن مواجه هستند. اما این سازمانها دارای مشکلاتی نیز هستند که مخصوص آنهاست.

نمونه‌های زیر مهمترین این مشکلات و چالشها هستند:

۱- کمبود یک سیستم دقیق آماري و در نتیجه عدم وجود برنامه‌ریزی سازمانی در مورد معضلاتی که مربوط به وجوه مختلف مشکلات اجتماعی می‌شود که رابطه ضعیف

سازمانهای غیردولتی با گروههای تحقیق و سطح پایین داده‌های مبادله شده میان آنها این مشکل را عمیق‌تر می‌کند.

۲- افزایش وابستگی سازمانهای غیردولتی به سرمایه‌های خارجی آنها را نسبت به این امر که تحت تأثیر تغییرات سیاسی خارجی قرار بگیرند، بیشتر ملزم می‌کند. بویژه از زمان کنفرانس مادرید، حمایت مالی برای سازمانهای غیردولتی بیشتر شامل سرزمینهای اشغالی (کرانه باختری و نوار غزه) و لبنان بوده است.

در اینجا مسأله نگرانی از هماهنگی میان سیاست حمایت خارجی و اولویتهای دستور کار سیاسی روند صلح، مخصوصاً با توجه به افزایش وابستگی سازمانهای غیردولتی کمک‌کننده به سرمایه دولتهای ملی آنها، پیش می‌آید.

در اینجا سازمانهای غیردولتی فلسطینی با دو چالش روبرو هستند: اولین چالش مربوط به توانایی آنها برای تدوین طرحهایی است که به تأمین بخشی از هزینه خدمات و برنامه‌های آنها کمک کند. دیگری به توانایی آنها برای توسعه دیدگاهی روشن از اصول شراکت با سازمانهای غیردولتی کمک‌کننده مربوط می‌شود. این همکاری بر پایه همکاری نهاده شده تا روی سیاستهای دولتهای آنها اثر گذار باشد و آنها را به سمت تعیین مجدد اولویتهای حمایتیشان به شیوه‌ای که با نیازها و اولویتهای واقعی اجتماعات پناهنجویان همخوانی پیدا کند، هدایت می‌کند.

۳- احتمالاً ضعف دموکراتیک سازمانهای غیردولتی فلسطینی به شکاف میان واقعیت عملکردشان و قوانین کنترل‌کننده آنها برمی‌گردد. جدایی یا شکاف میان مجمع‌های عمومی و هیاتهای اداری از یک طرف و میان آنها و کارکنان اجرایی سازمانهای غیردولتی از طرف دیگر، منجر به ضعف آشکار در «نهادینه کردن» تصمیم‌گیری می‌شود و شیوه دموکراتیک را تضعیف می‌کند.

۴- مشکل برنامه‌های سازمانهای غیردولتی فلسطین که دو نوع کار یعنی امداد و توسعه را هماهنگ می‌کنند، حرکت از یک نوع کار به نوع دیگر، در شرایط اضطراری مثل

جنگ تفاوت نمی‌کند. - این سازمانها - تنها بودجه‌های خاص امدادی را نمی‌طلبند، بلکه همچنین ساختارهای انعطاف‌پذیر، معقول و مناسب شرایط جدید را نیز طلب می‌کنند.

۵- ساختار نهادی و اداری ضعیف و کمبود کادر مجرب برای انجام امور لازم مثل برنامه‌ریزی پروژه‌ها و اجرای آنها، تحلیل و ارزیابی سیاستگذاری‌ها، مدیریت اطلاعات، تصمیم‌گیری، مدیریت منابع و غیره، وجود دارد.

۶- سطوح ضعیف هماهنگی میان سازمانها بویژه آنهایی که در یک زمینه فعالیت می‌کنند، وجود دارد. هماهنگی می‌تواند به استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی موجود منجر شود. نیازی ضروری به افزایش سطوح هماهنگی میان سازمانها و پیش از همه سطح مبادله اطلاعات و تجربه و مهارت و پس از همه سطح ارتباط پروژه‌ها و سرمایه‌ها، وجود دارد.

۷- سطوح پایین کار داوطلبانه و شرکت عمومی در کار سازمانهای غیردولتی فلسطینی قابل مشاهده است. انگیزه‌های ملی که سابقاً انگیزه‌های عمومی را برمی‌انگیختند، امروز دیگر برای تشویق آنها کافی نیستند. انواع دیگر انگیزه‌ها بر اساس اصول انسان دوستی و نیکوکاری بجز برای سازمانهای مذهبی، وجود ندارند. این مسأله ما را متوجه این مطلب می‌کند که سازمانها باید از طریق توسعه ساز و کارهای خاصی که اجتماعات محلی را قادر به شرکت در تصمیم‌گیریها و تعیین اولویتهای می‌کند، شیوه‌های جدیدی را برای تشویق انگیزه‌های عمومی به وجود آورند. این بدین معناست که سازمانها باید دایره خطرناک اهداکنندگان - دریافت‌کنندگان را بوسیله یک پیوند یا دایره واسط که همان اجتماع محلی است، بشکنند.

سخن آخر: چالشها و منظر آینده

احتمالاً فلسطینیان در لبنان، نسبت به سایر پناهنجویان با مبهم‌ترین سرنوشت روبرو هستند. آنها از متلاشی شدن سیستمهای حمایت سنتی خودشان مثل مثل ساف و آنروا و

همین طور موانع خود معیشتی رنج می‌برند. این موانع به علت نادیده گرفتن حقوق مدنی آنها توسط لبنانیها که منجر به حاشیه‌ای نمودن اقتصادی و اجتماعی جامعه فلسطینی در لبنان می‌شود، ایجاد شده است. محتمل است که این شرایط سخت در آینده بسیار نزدیک بدتر شود. بلا تکلیفی مالی و سیاسی آنرا با اضافه عدم وجود هر گونه اقتدار فلسطینی، لبنانی یا بین‌المللی تنها حس حاشیه‌ای و طرد شدن بیشتر فلسطینیان را برمی‌انگیزد.

از زمان کنفرانس مادرید، جامعه بین‌الملل نقش آنرا را به پیشرفت‌ها و توقعات روند صلح از جمله احتمال انتقال خدماتش به حکومت خودگردان و کشورهای میزبان مربوط کرده است. استدلال می‌شود که آنرا به پایان تدریجی فعالیتهای خود نزدیک می‌شود ادامه می‌دهد و این علی‌رغم بن‌بست در روند صلح از اوایل ۱۹۹۷ می‌باشد. به علاوه نگرانی فلسطینیان در لبنان در مورد سرنوشتشان، به علت این که روند سازش رو به سستی می‌رود و در موافقتنامه‌های منعقد شده نیز آینده روشنی برای آنان ترسیم نشده، افزایش یافته است. در نتیجه، باری که روی شانه‌های سازمانهای غیردولتی فلسطینی سنگینی می‌کند در آینده افزایش خواهد یافت. به منظور توانمند ساختن سازمانهای غیردولتی فلسطینی به طور عام و سازمانهای فعال در لبنان به طور خاص برای مقابله با چالشهای اسلو و بعد از آن، باید یک ابتکار بین‌المللی ارائه و اجرا گردد.

این پیشنهادها شامل موارد زیر می‌شود:

- حمایت نقدی و غیر نقدی از سازمانهای پناهجویان و سازمانهای غیردولتی بویژه

سازمانهای فعال در لبنان

- بالا بردن آگاهی و حمایت از نیازها و درخواستهای پناهجویان در میان سیاستگذاران

و تصمیم‌گیرندگان عرصه بین‌الملل.

- تسهیل مبادله مداوم و ارتباطات عمیق در امور حرفه‌ای و سیاسی - استراتژیک میان

سازمانهای پناهجویان فلسطینی و سازمانهای غیردولتی در خاور میانه

- آموزش حرفه‌ای فعالان این سازمانها در گردآوری داده‌ها و پروژه‌های تحقیقی که

برای گسترش اشتغال محلی برای پناهجویان حیاتی است.

به هر حال چالش‌هایی جدی که مهمترین آنها تنش مستمر میان دو نقش این سازمانها به عنوان فراهم آورندگان برنامه‌های رفاه اجتماعی و بازیگرانی صحنه سیاسی است، برای سازمانهای غیردولتی فلسطینی در لبنان همچنان باقی می‌ماند. موازنه ظریف میان کار اجتماعی، فعالیتهای فرهنگی و عمل سیاسی، نیازمند این امر است که سازمانهای غیردولتی فلسطینی حرکتهای نشأت گرفته از سطح پایین جامعه یعنی کارگزاری فعال برای جامعه فلسطینی در لبنان (مانند سازمانهای غیردولتی که در زمان انقلاب فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه ظهور پیدا کردند) باشند. بنابراین سازمانهای غیردولتی فلسطینی در لبنان باید به شکل جزیی از جامعه فلسطینی بزرگتر در فلسطین و خارج از آن در آیند تا بتوانند منافع و اهداف پناهجویان را در خارج از فلسطین که بدست آوردن حقوق انسانی و حفظ حق بازگشت می‌باشد، بیان کنند. سازمانهای غیردولتی فلسطینی به جای این که فقط یک فراهم آورنده خدمات یا جایگزینی برای آنروا باشند، باید خودشان را به عواملی از تغییر و تحرک اجتماعی تبدیل کنند تا به حقوق اساسی خویش - بویژه حق بازگشت - دست یابند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی